



روزنامه آنلاین مازندنومه

شماره دوازدهم - سه شنبه ۲۳ آبان ۱۳۹۱

نشانی اینترنتی: www.mazandnume.com

یادداشت‌های پراکنده



سردبیر: به تازگی کتابی به مناسبت روز مازندران چاپ و پخش شده است با عنوان «بیداران تاریخ مازندران». این کتاب را انتشارات شلفین با حمایت ستاد بزرگداشت روز مازندران روانه بازار کتاب استان کرده است. در مشخصات فیفا (فهرست نویسی پیش از انتشار)، تعداد صفحات ۲۵۶ آمده ولی تعداد واقعی صفحات ۲۱۵ صفحه است. از این که بگذریم نام ۵ تن از پژوهشگران و نویسندگان پرکار استان روی جلد دیده می‌شود. در نگاه اول تصور بر آن است حتماً با تلاش این محققان برجسته استان - که همگی از دوستان بزرگوارم هستند و به آن‌ها ارادت دارم - بار پژوهشی و علمی اثر تضمین شده است و ما تالیف شاد و منحصر به فردی را شاهد خواهیم بود، لیکن کتاب را که باز می‌کنی با دیدن فهرست کتاب، بی‌می‌بری که دوباره کاری است و تکرار و صرف هزینه غیرضرور برای کتاب سازی نه کتاب نویسی. در جامعه کتاب خوان و کتاب نویسی ما عده‌ای هستند که علاقه زیادی به نوشتن کتاب دارند و این نوشتن نمی‌تواند انگیزه‌ای جز نام و نان داشته باشد. تولید این جماعت چیزی جز کتاب سازی نیست که در نهایت به کتاب زبانی کتاب خوان‌ها منتج می‌شود. متأسفانه مکانیزم بازارنامه‌ای نیز در کشور وجود ندارد و این موضوع سبب می‌شود یک کتاب چند بار ترجمه و چاپ شود یا این که فرد فرضاً ده کتاب را جلوی خود می‌گذارد و کتاب یازدهم را آماده می‌کند! هر چند ما به محدودیت‌ها و ضوابط دست و پاگیر سفارش‌های دولتی آشناییم و خبر داریم این اثر با شتاب هم به چاپ رسیده، «بیداران تاریخ مازندران» چیزی جز یک کتاب سازی صرف نیست. روی جلد کتاب آمده: زیر نظر سیروس مهدوی. در پایین آن، نام سه عزیز دیگر نوشته شده: یوسف الهی، شهرام قلی پور گودرزی، فریده یوسفی. سمت چپ نیز نوشته شده: به اهتمام حسین اسلامی!! در ردگمی مخاطب از همین جا آغاز می‌شود که این عناوین بابت چیست؟ «زیر نظر» و «به اهتمام» چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؟ نقش آن سه پژوهشگر دیگر چیست؟ از ۳۴ شخصیت مازندرانی که در این کتاب معرفی شده‌اند، ۳ تن را یوسفی معرفی کرده و بقیه را نیز مهدوی و قلی پور و الهی؛ حال مشخص نیست نقش اسلامی این میان چه بوده است؟ در شیوه چیدمان و فهرست کردن مشاهیر نیز از هیچ فرمول و ضابطه‌ای استفاده نشده است. مثلاً سعیدالعلما بارفروشی را که معرفی کرده‌اند، بعدش به معرفی حسین بصیر پرداخته‌اند و سپس به سراغ امیر پازواری و قطب رویانی رفته‌اند که هر کدام شان در سده‌های مختلف می‌زیسه‌اند! یا مثلاً بعد از علی اکبر شیرودی، ابومنصور شیخ طبرسی معرفی شده است و پس از احمد کشوری نیز ابوسهل کوهی که در قرن چهارم هجری می‌زیست، معرفی شده است! گذشته از این فهرست نویسی مغشوش، مطلب نو، سند تازه و درخور یا روش جدید تحقیقی را نیز در این کتاب شاهد نیستیم و پیش تر نیز مشابه همین اثر (البته با نظم و نسق بهتری) چاپ شده بود، از جمله: فرزندان مازندران: گلبرار ریسی / دانشمندان مازندران: گلبرار ریسی / بزرگان تنکابن: محمد سمانی حائری / سخنوران بابل: یوسف الهی / دانشوران ساری: حسین اسلامی / مشاهیر آمل: محمدرضا مداحی / سبوی سخن: ایرج اصغری / شاعران مازندران و گلستان: بهمن بزرگی نوشهری، تاریخ ادبیات مازندران: سیدمحمد طاهری شهاب و... به باور من اگر قرار است صرف گزارش کار مدیران نهادهای دولتی و این که بگویند مثلاً ما در روز مازندران کتاب هم انتشار دادیم، اثری در این حد پراقتاد و تکراری منتشر شود، بهتر است اصلاً چاپ نشود.

وضعیت بحرانی؛ سیل به غرب مازندران رسید



نماینده عالی دولت در شهرستان چالوس افزود: لودر، بیل مکانیکی و تمام تجهیزات لازم در منطقه مستقر شدند تا بتوانند خسارت‌های احتمالی را کاهش دهند.

این مسئول تصریح کرد: از مسئولان استانی درخواست کمک شده تا نسبت به اعزام تجهیزات لازم و نیروی انسانی ماهر به این شهرستان اقدام کنند.

فرماندار چالوس همچنین گفت: مناطق سیل زده چالوس به سه منطقه تقسیم و مدیریت امداد رسانی آن به شهرداری هجیرو، بخشدار مرکزی و شهرداری چالوس واگذار شد.

رضایی خاطر نشان کرد: مناطق شهر هجیرو و روستاهای اطراف آن که دچار آب گرفتگی شدند به شهرداری هجیرو، بخش مرکزی و نقاط میانی شهر به بخشدار مرکزی و مناطق اشکار داشت و پالوج ده هم به شهرداری و امور آب واگذار شد تا با تسلط و مدیریت کافی به کنترل وضعیت موجود بپردازند.

مقاطع تحصیلی چالوس را امروز تعطیل کرده‌اند. علاوه بر این مناطق، در پالوج ده، کمربندی داخل شهر و روستاهای بخش مرکزی اعم از تازه آباد، مهدی آباد و گیل کلا شاهد آب‌گرفتگی شدید و مسدود شدن خیابان‌ها هستیم. جاری شدن سیل باعث شد گاز برخی مناطق قطع شود و به دلیل نشت گاز در برخی از نقاط نوشهر، گاز قطع شد تا از احتمال بروز انفجار جلوگیری شود.

به گفته میرقدیر رضایی - فرماندار چالوس - وضعیت به شدتی بحرانی است که مانع امداد رسانی به موقع شده است.

اطلاع‌رسانی به موقع به اهالی مناطق آب گرفته برای پناه بردن به نقاط امن از اولویت‌های ستاد بحران شهرستان چالوس بود.

رضایی گفته از ساعت یک بامداد با فراخوانی مسئولان شهرستان و بسیج کردن نیروها شرایط را بحرانی اعلام کرده و با تمام توان در صحنه حضور پیدا کردیم.

نیاز به جابجایی مردم اقدام کنند. در نوشهر مناطق بهجت آباد و کسک سرا وضعیت بحرانی تری دارند و خوشبختانه تاکنون خسارت جانی نداشته‌ایم.

فرماندار نوشهر وضعیت بهجت آباد را نگران‌کننده و بحرانی عنوان کرد و گفت: به دلیل تخریب پل امکان دسترسی به برخی از خانه‌ها وجود ندارد.

وقوع سیل در روستاهای بخش مرکزی چالوس به ویژه مهدی آباد، تازه آباد و خرمنه نیز پرخسارت بوده است، پل جدید مهدی آباد را آب گرفته و خیابان مرتضوی هم به نسبت بقیه نقاط، آب‌گرفتگی بیشتری دارد.

در این مناطق هم خسارات زیادی به منازل مسکونی وارد آمده ولی تاکنون خسارات جانی گزارش نشده است.

در سطح شهر چالوس در مناطق اشکار داشت و خیابان شهید نواب صفوی، سیل خساراتی را به بار آورده است. به علت آب‌گرفتگی معابر و مدارس، تمام

محمدحسین ملایی کندلوسی - بارندگی شدیدی که از شامگاه یکشنبه در نوار ساحلی آغاز شده بود، ابتدا با آب‌گرفتگی معابر همراه بود، اما در ادامه با شدت بارندگی و بالا آمدن آب رودخانه‌ها وضعیت بحرانی تر شد. در پی بارندگی از دیشب حجم بالای آب از ساعت دو بامداد موجب بروز سیل در نوشهر شد.

از ساعات اولیه صبح دیروز (دوشنبه) تمام نیروهای امدادی به حالت آماده‌باش درآمده‌اند. بارندگی شدید باعث بالا آمدن رودخانه فردوسی و آب‌گرفتگی معابر در سطح شهر نوشهر شده است. محمدعلی قمی اوپلی - فرماندار نوشهر - گفته که به منظور هدایت آب سطح شهر دیوار بندر را فرو ریختیم تا بتوان بخشی از آب را به این طریق به دریا هدایت کنیم.

در چالوس مردم در ساعات اولیه بروز سیل به مناطق بالادست و پشت بام منازل خود پناه برده بودند. تعدادی زیادی کامیون در لودر هم در مناطق آب‌گرفته شهر چالوس مستقر شدند تا در صورت

مهروزی، فرزندگی است

با محبت می توان دنیا را تسخیر کرد

اکرم ویسی - مادر فرزند - می‌گوید سرمنده محبت‌های مردم هستیم. ما ایمان داشتیم که مردم ما، فرزندان سرزمین‌شان را تنها نمی‌گذارند و دست‌نیز را به حال خود رها نمی‌کنند. او گفت: نیاز است از تک تک افرادی که البته ما آنها را نمی‌شناسیم ولی به فرزند کمک کردند، تشکر کنیم. مازندنومه پیش قدم شد و بعد سایر همکاران یکی یکی پیش گذاشتند. مادر فرزند می‌گوید: رسانه‌ها در این زمینه، سنگ تمام گذاشتند. از ۱۱ آبان هر روز تماس تلفنی داشتیم از رسانه‌هایی که خبر و یادداشت مربوط به فرزند را منتشر می‌کردند و به من می‌گفتند که این کار را انجام داده‌اند و زینام قاصر بود از تشکر. مجمع خیران ماهک هم به فرزند کمک کرده است اما باید بدانیم که رسالت مجمع خیران ماهک، احداث بیمارستان برای کودکان مبتلا به سرطان است و کمک به این بیماران در فاز بعد از احداث بیمارستان قرار دارد. مارک تواین گفته: زندگی، چیزی جز مبارزه میان عاطفه و عقل

مازندنومه، کلثوم فلاحی: یازدهم آبان ماه بود که برای کمک به فرزند دست‌یاری به سوی مخاطبان خود دراز کردیم. فرزند، همان پسر بچه ۱۴ ساله‌ای است که به جای مدرسه، در بیمارستان بستری است. گفتیم برای درمان فرزند ۱۰۰ میلیون تومان پول نیاز است. از مردم کمک خواستیم، کمک‌هایی هر چند اندک و قدم‌هایی در اندازه وسع. امروز خرسندیم به مخاطبان و مردم عزیز اعلام کنیم که تنها ۹ روز پس از فراخوان برای کمک به بهبودی فرزند، مبلغ ۲۶ میلیون و ۴۵۰ هزار تومان کمک‌های مردمی، برای فرزند واریز شده است. خرسندیم بگوییم ابراز احساس و محبت‌های مردم مهربان را دریافت کردیم و دست‌نوازش بر سر فرزند کشیده شد. این میزان کمک‌های مردمی در حالی صورت می‌گیرد که تنها یک شماره حساب از سوی خانواده فرزند اعلام شده و این موضوع تا اندازه‌ای کمک‌ها را با محدودیت مواجه کرده است. با وجود محبت‌های سرشار مردم در این اوضاع ناپسان اقتصادی، هنوز تا رسیدن به مبلغ مورد نظر، فاصله داریم و می‌دانیم که همچنان می‌توانیم به این مردم سراسر عاطفه تکیه کنیم تا فرزند بهبود یابد و زندگی کند. این نکته را هم ذکر کنیم که تا گذشت ۵۰ روز از آغاز سال تحصیلی، فرزند هنوز نتوانسته در مدرسه حضور یابد و درس بخواند.



نیست. اما ما معتقدیم می‌توان میان عاطفه و خرد پل زد. عقل و احساس با هم می‌گویند که فرزند را دوست بداریم؛ چون فرزند خودمان و چون برادر خودمان و چون همسایه خودمان. راز شادی در مهر ورزیدن است. بار دیگر این شماره حساب‌ها شمارا می‌خوانند: شماره کارت ۶۲۷۳۵۳۲۱۳۰۲۴۰۸۴۴ شماره حساب ۳۰۹۶۹۱۱۴۰۳ بانک تجارت، به نام خانم اکرم ویسی (مادر فرزند) همت کنید تا ۱۰۰ میلیون گرد آید و فرزند نزد ما بماند. اگر خواهیم این مبلغ به آسانی فراهم می‌شود. امیدواریم به زودی خیر بهبودی فرزند را همین‌جا منتشر کنیم.



یادداشت‌های پراکنده

کجا بودی تا حالا؟

شیر خشک هم سهمیه بندی شد

عباس مهدوی: دانشگاه علوم پزشکی همواره در نشست های خبری و رسانه ای خود بر بالا بودن شاخصه های سلامت در استان تاکید دارد و مازندران را در ردیف پنج استان برتر کشور توصیف می کند؛ این در حالی است که بسیاری از مردم از نحوه خدمات درمانی و دارویی در استان رضایت ندارد. در این میان داروخانه ها یکی از مهمترین مراکز مراجعه مردم برای تامین نیازهای دارویی و سلامت مردم محسوب می شوند که متأسفانه در برخی مواقع به دلیل نبود نظارت صحیح و ابلاغ های نسنجیده معاونت غذا و دارو، زمینه نارضایتی مردم را فراهم ساخته است. سهمیه بندی شیر خشک مورد نیاز کودکان، تازه ترین ابلاغیه عجیب و غریب معاونت غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی مازندران است. این معاونت بدون نظر گرفتن این موضوع که هر خانواده دارای چند فرزند است به داروخانه ها اعلام کرده که به هر خانواده تنها یک قوطی شیر خشک اختصاص یابد! سهمیه بندی شیر خشک در شرایطی انجام می پذیرد که دولت، مردم را به فرزند دار شدن تشویق می کند و مسئولان مازندرانی از ظرفیت دو برابر شدن جمعیت مازندران سخن سر می دهند! وقتی در مازندران امکان تامین شیر خشک که یک محصول غذایی حیاتی برای کودکان محسوب می شود، وجود ندارد، مسئولان استان با چه پشتوانه کارشناسی و واقع گرایانه ای، بر لزوم افزایش تعداد کودکان تاکید می ورزند؟ دیروز برای قوطی شیر خشک به داروخانه شبانه روزی بهاری در مرکز استان مراجعه کردم. داروخانه ای که به دلیل کمبود داروخانه های شبانه روزی در ساری محل رجوع بسیاری از خانواده هاست. متصدی فروش داروخانه یک قوطی شیر خشک روی پیشخوان گذاشت و گفت: به دلیل سهمیه بندی به کسی دو شیر خشک نمی دهیم! وقتی به او گفتم من برای دو فرزندم شیر خشک می خواهم در پاسخ گفت: مثل اینکه در ایران زندگی نمی کنی. کجا بودی تا حالا؟ شیر خشک سهمیه ای است! برو به معاونت غذا و دارو بگو! پاسخ داروخانه شبانه روزی بهاری و ترسیم فضایی کوپنی و بحران زده در کشور در نوع خود جالب توجه است. شاید او هم مقصر نیست و از ابلاغ معاونت غذا و دارو این گونه تصور کرده که مراجعان همچون اصحاب کهف در خواب به سر می برند و اوضاع کشور برای تامین دو قوطی شیر خشک سهمیه بندی کوپنی است! چرا بی تدبیری مان در مدیریت اقلام حیاتی مورد نیاز مردم را به اوضاع کشور مرتبط می کنیم و شرایط را برای افکار عمومی به گونه ای ترسیم می کنیم که گویا در یک کشور قحطی زده زندگی به سر می بریم؟ بازار قاچاق و آرمدهای کلان واردات شیر خشک در جای دیگری رقم می خورد نه در داروخانه شبانه روزی و با خرید دو قوطی شیر خشک! مسئولان معاونت غذا و دارو بهتر است قبل از هرگونه سهمیه بندی صاحبان داروخانه ها را توجیه کنند تا همچون بیگانگان، وضعیت کشور را بحران زده و سهمیه ای توصیف نکنند و گمان نکنند که مردم همچون موجودات فضایی از سیاره ای دیگر به ایران آمده اند!

نمایشگاه بیستم در ساری گشایش یافت

ویراستاری، معرفی ۹۰ عنوان کتاب در باره فرهنگ و تاریخ مازندران و برپایی ایستگاه نقاشی برای کودکان و نوجوانان از جمله برنامه های حاشیه ای این رویداد فرهنگی است. برپایی غرفه ویژه بیداری اسلامی و نقد کتاب و نقاشی هم از ویژگی های این نمایشگاه است. ناشران شرکت کننده در بیستمین نمایشگاه بزرگ کتاب مازندران محصولات خود را با ۱۵ الی ۴۰ درصد تخفیف به بازدیدکنندگان عرضه می کنند.

[نمایشگاههای کتاب در مازندران دایر شد در هر یک از این نمایشگاه ها بیش از ۲۵ هزار عنوان کتاب با موضوع تاریخی، دینی، هنری، دانشگاهی و غیره در قالب ۴۰ غرفه در معرض نمایش و فروش گذاشته شده است. برگزاری مسابقه کتابخوانی از کتاب سیره نبوی، اثر آیت الله مرتضی مطهری، تجلیل از ناشران استانی، برگزاری کارگاه های آموزشی شامل، تالیف، صفحه آرایی و

وضعیت کتاب و کتابخوانی در استان تاسف بار است

ناشر برتر مازندران: تصمیم گرفتیم دهتم را ببندم



کردید، در سمت مقابل اما می بینیم که کتاب گران است.

انتشارات شلفین در ورودی بیستمین نمایشگاه کتاب هفته کتاب مازندران، با فضایی بزرگ تر از سایر غرفه ها خودنمایی می کند. به بهانه انتشار کتاب مازندران به چهار زبان فارسی، انگلیسی، روسی و عربی با فریده یوسفی - مدیرمسئول انتشارات شلفین - گفت و گو کردیم. کتاب مازندران تالیف فریده یوسفی بوده و استاد سید احمد طاهرپور هم بخش عکس این مجموعه را بر عهده داشته است. این کتاب در هزار جلد منتشر شده است.

از کتاب مازندران که به تازگی منتشر شده، بگوئید.

کتاب مازندران به چهار زبان روسی، عربی، انگلیسی و فارسی منتشر شده است. این کتاب در چهار فصل و در قطع رحلی و چاپ



نقیس در اختیار علاقه مندان قرار گرفته است. کتاب مازندران در چهار فصل آیین ها، صنایع دستی، بناها و آثار تاریخی و جلایه های گردشگری تنظیم شده است. این کتاب فرهنگ، تمدن و میراث مادی و معنوی مردم مازندران را نشان می دهد که به نظرم جای خالی این کتاب احساس می شد. کتاب مازندران قابلیت صادراتی دارد، یعنی برای کشورهای هدف اقتصادی، این کتاب می تواند هدیه خوبی باشد برای معرفی پیشینه مازندران.

انتشارات شلفین با چند عنوان و جلد کتاب در نمایشگاه کتاب حضور یافته است؟

بیش از پنج هزار جلد با یکصد عنوان کتاب را در معرض دید علاقه مندان قرار داده ایم و با توجه به ظرفیت فضایی که در اختیار داریم توانستیم این میزان کتاب بیاوریم.

انتشارات شلفین در این نمایشگاه کتاب جدید هم ارائه کرده است؟

تقریباً چهار عنوان کتاب تازه را در این نمایشگاه عرضه کردیم، کتاب برج لاجیم با بررسی کامل و آسیب شناسی، قصه هایی از شهر زیراب و همین کتاب نقیص مازندران جزء تازه های کتاب ها هستند. پیش از این در مصاحبه ای با ما از وضعیت نشر گلایه های بسیاری داشتید، آیا پس از آن مصاحبه وضعیت بهتر شد؟

هیچ اتفاقی نیفتاد، فقط طرح شد و آنهایی که باید بررسی می کردند خیلی راحت از کنار این گلایه ها گذشتند. اگر کار را ادامه می دهیم واقعا این کار حکایت عشق است و ما در این زمینه دغدغه داریم. کتاب مازندران را با هزینه سنگین چاپ کردیم در حالی که این کار مسئولان فرهنگی استان است نه یک ناشر و یک فرد؛ بانی انتشار این کتاب باید اداره کل میراث فرهنگی، ارشاد استان و یا بخش فرهنگی استانداری مازندران باشد. کتاب مازندران، معرفی استان در سطح بین المللی است و این خوب نیست که سنگینی کار بر دوش ناشر باشد. هیچ حمایتی نشدیم؛ تنها ناشری در استان هستیم که تاکنون بیش از یکصد عنوان کتاب مازندران شناسی چاپ کرده ام و هنوز هم ۳۰ - ۴۰ عنوان کتاب مازندران شناسی در نوبت چاپ دارم و متأسفانه با گلایه هایی که می کنیم از هیچ جا مورد حمایت قرار نگرفتیم. تصمیم گرفتیم دهتم را ببندم و از هیچ کس هیچ گلایه ای نکنم چون واقعا میدی به هیچ کس ندارم.

مسولان باید برای رفع این امر اندیشه جدی کنند. محمد اسماعیل امامزاده در نشست خبری خود به مناسبت فرا رسیدن هفته کتاب و کتابخوانی، با اشاره به اینکه مازندران جز ۱۵ استان فرهنگی کشور محسوب می شود، افزود: باید زیرساخت های کتاب و کتابخوانی از جمله سرانه فضای کتابخوانی تقویت شود. وی با بیان اینکه ایران در بین ۶۵ کشور جهان در حوزه کتاب و کتابخوانی دارای رتبه ۴۱ است، تصریح کرد: مازندران در این زمینه رتبه ۲۱ از بین ۳۱ استان کشور را به خود اختصاص داده است. مدیرکل کتابخانه های عمومی مازندران، سرانه فضای کتابخوانی، منابع، تعداد اعضا و امانت را از شاخص های عمده در رتبه بندی این حوزه دانست و اظهار داشت: سرانه فضای کتابخانه ای در کشور ۲/۵ (دو و نیم) متر است که تا ۱۳ سال آینده باید به ۸ متر به ازای هر یکصد نفر افزایش یابد. امامزاده با انتقاد از فراگیر نبودن امر کتابخوانی در بین مردم افزود: در سال گذشته ۶۵ هزار عنوان کتاب منتشر شده در سطح کشور وجود داشته است که به دلیل فراگیر نبودن امر کتابخوانی در بین مردم تعداد شمارگان آن اندک بوده است. مدیرکل کتابخانه های عمومی مازندران، ضمن تاکید بر اینکه بحث کتاب در ایران به صورت جدی مورد توجه قرار نگرفته، گفت: به همین دلیل در تمامی بخش های مربوط به کتاب مشکلاتی وجود دارد. امامزاده، نبود کانون نویسندگان را یکی از این چالش ها نام برد و اظهار داشت: در راستای فرهنگ سازی اصل ۴۴ قانون اساسی نیازمندیم کارهای حوزه فرهنگ را در خارج از دستگاه های دولتی به افراد و

وضعیت کتاب و کتابخوانی در استان تاسف بار است

اعظم کردان: مدیرکل کتابخانه های عمومی مازندران با بیان اینکه وضعیت کتاب و کتابخوانی در استان تاسف بار است، گفت: مسولان باید برای رفع این امر اندیشه جدی کنند. محمد اسماعیل امامزاده در نشست خبری خود به مناسبت فرا رسیدن هفته کتاب و کتابخوانی، با اشاره به اینکه مازندران جز ۱۵ استان فرهنگی کشور محسوب می شود، افزود: باید زیرساخت های کتاب و کتابخوانی از جمله سرانه فضای کتابخوانی تقویت شود. وی با بیان اینکه ایران در بین ۶۵ کشور جهان در حوزه کتاب و کتابخوانی دارای رتبه ۴۱ است، تصریح کرد: مازندران در این زمینه رتبه ۲۱ از بین ۳۱ استان کشور را به خود اختصاص داده است. مدیرکل کتابخانه های عمومی مازندران، سرانه فضای کتابخوانی، منابع، تعداد اعضا و امانت را از شاخص های عمده در رتبه بندی این حوزه دانست و اظهار داشت: سرانه فضای کتابخانه ای در کشور ۲/۵ (دو و نیم) متر است که تا ۱۳ سال آینده باید به ۸ متر به ازای هر یکصد نفر افزایش یابد. امامزاده با انتقاد از فراگیر نبودن امر کتابخوانی در بین مردم افزود: در سال گذشته ۶۵ هزار عنوان کتاب منتشر شده در سطح کشور وجود داشته است که به دلیل فراگیر نبودن امر کتابخوانی در بین مردم تعداد شمارگان آن اندک بوده است. مدیرکل کتابخانه های عمومی مازندران، ضمن تاکید بر اینکه بحث کتاب در ایران به صورت جدی مورد توجه قرار نگرفته، گفت: به همین دلیل در تمامی بخش های مربوط به کتاب مشکلاتی وجود دارد. امامزاده، نبود کانون نویسندگان را یکی از این چالش ها نام برد و اظهار داشت: در راستای فرهنگ سازی اصل ۴۴ قانون اساسی نیازمندیم کارهای حوزه فرهنگ را در خارج از دستگاه های دولتی به افراد و



بخش های ذی صلاح و گذار نماییم. وی با بیان اینکه دولت تنها حامی مالی در این زمینه باشد، افزود: اگر با همین رویه پیش رویم به جایی نخواهیم رسید. امامزاده با اشاره به اینکه زمانی که بخش دولتی جوابگو نیست باید به سمت خیران برویم، خاطر نشان ساخت: در بیش از ۷۰ درصد از شهرستانهای مازندران انجمن خیرین کتابخانه ساز راه اندازی شد. وی با بیان اینکه از بین ۱۹ شهرستان مازندران، چالوس رتبه اول در بخش امانت کتاب را دارد، افزود: این شهرستان به دلیل داشتن ۵ کتابخانه عمومی، کتابخوان ترین افراد را داراست. امامزاده، ساری را محروم ترین منطقه در کشور از لحاظ سرانه فضای کتابخانه ای در کشور دانست و افزود: این شهرستان به عنوان مرکز مازندران جزء محرومترین مناطق کشور در این زمینه به شمار می آید.

کلثوم فلاحی: صبح شنبه بیستمین نمایشگاه هفته کتاب

مازندران در مجتمع فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی مازندران افتتاح شد. محمدی گیادهی عضو شورای شهر ساری، هادی ابراهیمی معاون سیاسی استانداری مازندران، شعبانعلی واحدی مدیرکل ارزیابی و رسیدگی به شکایات استانداری مازندران و حسین اسلامی رئیس مرکز ساری شناسی در این مراسم حضور داشتند. هادی ابراهیمی دقایقی قبل از میزبان و مدیر میهمانان در محل برگزاری نمایشگاه حاضر شد و سپس در جمع خبرنگاران، پاسخگوی سوالات بود. در حاشیه این رویداد فرهنگی، با هادی ابراهیمی - معاون سیاسی و امنیتی استاندار مازندران - گفت و گو کردیم.



با وجود اینکه مسئولان اعلام می کنند از حوزه نشر حمایت می کنند اما ناشران از وضعیت راضی نیستند و حتی ناشر فعال استان هم به جایی رسیده که می گوید کار نشر را تعطیل می کنم و به سراغ شغل دیگری می روم.

این ماموریت را به اداره کل ارشاد داده ایم که تاجایی که امکان دارد در زمینه حمایت از ناشران مساعدت صورت گیرد. دو سال قبل بودجه فرهنگی داشتیم و از محل بودجه فرهنگی، مساعدت های خوبی به ناشران صورت می گرفت اما از زمانی که بودجه فرهنگی حذف شد ما هم به نوعی با مشکلات مواجه شدیم اما نگاه استان بر این بوده که در عین حال در رابطه با بودجه فرهنگی بتوانیم از منابع دیگری که در اختیار داریم، این مههم را تامین کنیم. با توجه به مسائل فرهنگی و گستره وسعت حوزه فرهنگ، این اعتبارات تحت هیچ شرایطی کافی و مکفی نیست و با این اعتبارات نمی توانیم از همه ظرفیت های فرهنگی در استان حمایت کنیم. خیر؛ این اعتبارات واقعا اندک است و خودم هم می پذیرم و به این موضوع باید در سطوح کلان ملی و مجلس توجه شود. این بودجه فرهنگی گام مهم دولت در سفر سوم بود و خیلی توانستیم با این بودجه به حوزه فرهنگ کمک کنیم اما با حذف این بودجه با مشکلات مواجه شدیم و گلایه هایی که ناشران، صاحبان قلم، نخبگان فرهنگی و رسانه ها در این زمینه مطرح می کنند درست است، اما این موضوع ناشی از سیاست های کلان ملی است و باید از آنجا دنبال و به حوزه فرهنگ توجه شود. استنباطم این است که در کنار سایر حقوق دیگری که برای مردم قائل هستیم، مردم از یک سری حقوق فرهنگی برخوردارند و نباید نسبت به ادای حق فرهنگی مرد، ذره ای کوتاهی و سهل انگاری کنیم.

به تشکیل کمیته کتاب در استانداری اشاره کردید، آیا کار این کمیته موازی کاری با دستگاه های همسو است؟

خیر، کمیته کتاب موازی کاری ندارد. تشکیل کمیته کتاب را دستگاه های فرهنگی استان پیشنهاد دادند و ما هم بنا داریم این کمیته را ذیل حوزه معاونت سیاسی استانداری مازندران تشکیل دهیم و هدف این کمیته، حمایت های یکپارچه استانی از نویسندگان، ناشران، پدیدآورندگان و همه دست اندرکاران عرصه نشر و چاپ و همه کسانی که در حوزه مطالعه گام برمی دارند، است. به دغدغه تان در رابطه با افزایش میزان مطالعه در استان اشاره

یادداشت‌های پراکنده

درباره اوضاع معیشتی معلمان دریغ از آخ آقای وزیر!



سیاوش اسلامی سوادکوهی: سخنگوی شورای نگهبان دستمزد اعضا و کارکنان را دو تا پنج میلیون تومان اعلام کرد... بلیط هواپیما ۶۵ درصد گران شد... قیمت فرآورده های غذایی مثل لبنیات و روغن با افزایش دلار تنظیم قیمت می شوند! ایضا! قیمت چیزهای دیگر... معلمان جدیدالاستخدام با معلمان که بیست سال سابقه کار دارند، تقریباً برابر دستمزد می گیرند! این ها را گفتم که تاکنون از سبک ناله برخاست از گرانی و تورم نیز: دریغ از یک آخ گفتن وزیر محترم آموزش و پرورش!

ممکن است چند وقت پیش که امام جمعه محترم و موقت تهران توصیه کرد مردم در قبال گرانی های یک "آخ" هم نگویند، شاید آقای وزیر از سخن ایشان تبعیت می کنند، والا عقل سلیم حکم می کند که برای ظاهر امر که هم شده آقای وزیر در قبال این تورم کمرشکن، برای معلمان و خانواده های آنان سخنی می گفتند! مگر اینکه قائل به این شویم که زندگی معلمان برای آقای وزیر زیاد مهم نباشد! سال هاست که می نویسم و می گویم که به مشکلات معلمان رسیدگی کنید و نگذارید کورسهای امید ساختن جامعه و پروراندن انسان های رشید و فکور در اثر غفلت و سودجویی بازار و اقتصاد ضعیف، بلعیده شود، ولی انگار نه انگار که گوش شنوایی وجود دارد.

انتخاب وزیر دولت دهم که بی توجهی به معلمان را در زمان نمایندگی مجلس فریاد می نمود و نقش یک معلم آزادخواه و دل نگران از معیشت و منزلت معلمان را جلوه گر می کرد، پس از انتخابش به وزارت، "سکوت" پراپام او در دسرهای بی شماری را برای فرهنگیان در باب معیشت ایجاد نموده است.

ضمن آنکه دیری نپایید در دوران وزارتش بساط انتقاد معلمان از بی توجهی به معیشت و منزلت آنان، به سادگی بر چیده شد و پریشان احوالی از ناکار آمدی ها را پس از فراز و نشیب کوتاهی متعجبانه بر زندگی معلمان تحمیل کرد که درد بی فرجام بی کفایتی ها و بی توجهی ها را که سرمنشا بسیاری از گرفتاری ها است در مناصب و مدیریت های آموزش و پرورش عادی جلوه داده است!

وقتی این مشکلات نوشته می شود بسیاری از همکاران تقاضای کنند جسورانه تر بنویسیم! و معضل آفرینان را مجال ندهیم.

بعضی از همکاران هم مدیریت ارشد آموزش و پرورش استان را مخاطب می گیرند که بهتر است بگوئیم اهداف یک سازمان در خدمت نیازها و ضرورت های یک جریان است.

آقای وزیر! آیا از کابوس و شیخ تورم در زندگی معلمان بی خبرید و جان کندن معلمان را که در زیر چرخ های غول آسای تورم با روحی آزاده و جسمی خسته و خجلت زده، "له می شوند، نمی بینید؟

می نویسم برای خواندن در تاریخ تا شاید آیندگان بخوانند، تا دانش آموزان امروز ما برای فردا که بزرگ تر شدند، متهم مان نکنند که برای آینده نگری خودمان شاید سکوت کرده ایم!

از اینکه روزنه های امید به روی معلمان بسته می شود، فقط باید به خدایانه برد! روایت گران عاشقی که کم کم دارند به افراد بی تفاوت از عشق به "شغل شان" تبدیل می شوند و تمامی انگیزه های آنان به ورطه ی نابودی سپرده می شود!

آقای وزیر! اینهارا نوشته ام تا به شما گفته باشم کسی حق ندارد و نباید هم به خودش حق بدهد که با زندگی مان هر جور دلش می خواهد، برخورد کند.

نوشته ام تا آیندگان قضاوت کنند همه ی معلمان که ایناگرانه زندگی شرافت مندانه و آرام شان را مطالبه می کنند، داشتن جامعه ای آباد و سالم را در گروی فرزندان رشید یافته و رشید، در نظام تعلیم و تربیت صحیح ارزیابی می کنند و این همان حلقه ی مفقوده ی مدیریت آموزش و پرورش است که تاکنون بدان پرداخته نشده است!

نپرداختن به وضعیت معیشتی و منزلتی معلمان، خیانتی آشکار به زندگی معلمان است. هر کسی و در هر منصبی به این خیانت دامن بزند، قطعاً گناهی بس ناخوشودنی مرتکب شده است.



در حاشیه کنسرت مخابرات

محمدی کیادهی: کنسرت خواسته مردم بود

از فرهنگ و هنر است. مخابرات با ذکر نام تنی چند از هنرمندان استان، افزود: امیدوارم ساری شهر فرهنگ و هنر باشد و این کنسرت، مقدمه ای بر اجرای برنامه های بزرگتر در ساری باشد. مخابرات در ابتدای بخش دوم برنامه هم از اعضای شورای شهر ساری، شهردار و استاندار مازندران تشکر کرد.



به گزارش مازندنومه، مسعود مخابرات که مجری برنامه از وی به عنوان مدیر اجرایی این کنسرت یاد کرد، بارها قصد داشت که مانع از کار عکاسان و خبرنگاران شود

که با تذکر محمدی کیادهی مجبور به عذرخواهی شد. بر اساس این گزارش، کنسرت مخابرات که گفته می شود به نفع سیل زدگان بهشهر برگزار شد، با درآمد میلیونی برای اجراکنندگان بوده و قرارداد میلیونی مخابرات و گروهش برای اجرای کنسرت، حرف و حدیث هایی را به جای گذاشته است. محافل رسانه ای و آگاه استان منتظر شفاف سازی عواید حاصله از این کنسرت برای سیل زدگان هستند و امیدوارند پاسخ شفافی را از سوی برگزارکنندگان دریافت کنند. این در حالیست که برنامه ستاد مردمی هنرمندان برای جمع آوری کمک به نفع سیل زدگان بهشهر بدون بلیت فروشی و با حداقل هزینه ها و بدون



پرداخت خاصی برپا شد که مخابرات به دلیل آن چه خود تداخل برنامه عنوان کرد، در آن برنامه حضور نیافت!

خاطر نشان می کنیم مجمع خیران ماهک در راستای اجرای برنامه های فرهنگی برای جمع آوری کمک های مردمی جهت ساخت بیمارستان کودکان مبتلا به سرطان ماهک در همین تاریخ یعنی هجدهم و نوزدهم آبان ماه همراه گروه موسیقی هزار داستان، کنسرتی در استان سمنان برگزار کرد که این گروه برای برگزاری این برنامه خیریه ریالی دریافت نکرد و اجرا هم مورد استقبال فوق العاده مردم نوع دوست سمنان قرار گرفت.

مازندنومه، کلثوم فلاحی: پنجشنبه و جمعه گذشته در دو شب کنسرت موسیقی عبدالحسین مخابرات در ساری برگزار شد. در شب دوم برنامه با تاخیر حدود یک ساعته آغاز شد. عضو شورای شهر ساری در سالن به سخنرانی پرداخت تا گروه اجراکننده از راه برسد.

محمدحسن محمدی کیادهی اظهار داشت: در اجرای وظایف قانونی شورا و شهرداری، برگزاری برنامه های فرهنگی خالی بود. وی ادامه داد: این برنامه از خواسته های مردم بود و شورا و شهرداری ساری هم برای برگزاری این مراسم که

البته با تاخیر انجام شد، گام برداشتند. کیادهی با بیان اینکه مردم از همه شهرهای استان در این مراسم حضور دارند، تصریح کرد: برگزاری این کنسرت روندی را طی کرد که البته مشکلاتی هم داشتیم و امیدواریم در برنامه های بعدی، کار سریع تر انجام شود. وی به دلیل جدا شدن سالن به قسمت بانوان و آقایان متذکر شد: از این جداسازی عذرخواهی می کنم و امیدوارم متاهل ها ما را ببخشند. این عضو شورای شهر ساری، خاطر نشان کرد: به دلیل اینکه هنوز آقای مخابرات وارد سالن نشده، من این قدر حرف می زنم. کیادهی افزود: از تاخیر در اجرای این کنسرت هم عذرخواهی می کنم هر چند که برنامه دیشب هم با تاخیر آغاز



شد و تاخیر امشب بیشتر است. وی با بیان این که مردم استقبال خوبی از این برنامه داشتند، یادآور شد: بلیط رایگان این کنسرت را در اختیار اقشار آسیب پذیر قرار دادیم و اصحاب رسانه هم از بلیت رایگان برای حضور در این برنامه بهره بردند.

در ادامه مخابرات به همراه گروه موسیقی وارد سالن سید رسول حسینی شد و مورد تشویق مردم قرار گرفت. وی در چند جمله از شورا و شهرداری ساری و استاندار مازندران تشکر کرد و گفت: دیشب هم این نکته را عرض کردم که هیچ جا خانه آدم نمی شود. وی با اشاره به استقبال مردم از برگزاری این کنسرت، تصریح کرد: استقبال خوب مردم نشان دهنده استقبال

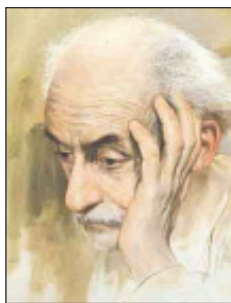
گزارش تصویری مازندنومه از جشنواره برداشت کیوی روستای نجار کلای چالوس

عکس از: بهروز خسروی



نیمه ۲۱ آبان زادروز نیما

نیما یوشیج ۱۱۵ ساله شد



آنچنان که شایسته ی اوست شناخته نشده است و باید در معرفی نقش او در جامعه ای ادبی ایران تلاش نمود.

تشکیل بنیاد ملی نیماشناسی، ایجاد خانه ی شعر ایران، ایجاد درس مستقل نیماشناسی در دانشگاه ها و نامگذاری روزی به نام نیما در تقویم رسمی کشور قدم های آغازینی ست که باید با همت تمامی فرهنگ دوستان و هنرمندان ایران زمین به انجام برسد و ادبیات ایران را به سوی آینده سوق دهد.

شب همه شب شکسته خواب به چشمم گوش بر زنگ کاروانستم با صداهای نیم زنده ز دور همعنان گشته، همزبان هستم. جاده اماز همه کس خالی است ریخته بر سر آوار آوار این منم مانده به زندان شب تیره که بار شب همه شب گوش بر زنگ کاروانستم.

محمد عظیمی: ۲۱ آبان هر سال یادآور تولد مردی ست که از میان کوه های سر به فلک کشیده ی مازندران برخاست و با تلاشی جانکاه، فروتنانه فرم و محتوای شعر کلاسیک را دگرگون ساخت.

او نواندیشی را آموزش داد و همراه با تالطم اجتماعی عصر مشروطیت، گفتگو را جانشین تک گوئی کرد و از سلطنت شاعران گذشته نهراسید.

نیما می گوید: «نترس! حرف بزنی تا بتوانی بگویی چه کسی هستی! شاعر لازم است که نترسد، غیر مقید و جری و مستقل باشد. قدما به خواب جادویی رفته اند. تحسین و تکذیب، برای شان یکی است. ولی زمان حاضر، زنده است. جان دارد و با ما حرف می زند و باید برای احتیاجات ملتی که اکنون زنده اند، چیز بنویسیم.

فردوسی ها و حافظ ها هم اگر زنده می شدند، همین کار را می کردند. آنها که نمی کنند، جهت این است که نه حافظ اند، نه فردوسی. برای رسیدن به این مقام، نباید طفل را ترسانید و به او گفت که تو مثل فردوسی نخواهی شد.» متاسفانه باید گفت که هنوز شعر و اندیشه ی نیما

پیش بینی اینکه یک انقلاب و یا دگردیسی در هنر و ادبیات چگونه اتفاق خواهد افتاد؛ با سحر و جادو یا فرضیه های محال، ممکن نیست اما بیان و بررسی و بازگشایی پرونده ای که هر بار با یک تحول، مجدداً در دستور کار قرار می گیرد امری دست یافتنی و معقول است. "نیما" از مقوله‌هایی است که حتی مدعیان عبور از نیما هم ذخیره های نوشتاری او را که خصلت نواندیشی و تغییر پذیری در شعر است از مولفه های رویکرد بعد از او می دانند چرا که نوعی آرزوی نسبت به امر کلیشه ای در نسل بعد از خود به جای گذاشت که هنوز هم از مولفه های تفکیک نپذیر شعر امروز تلقی می گردد. .

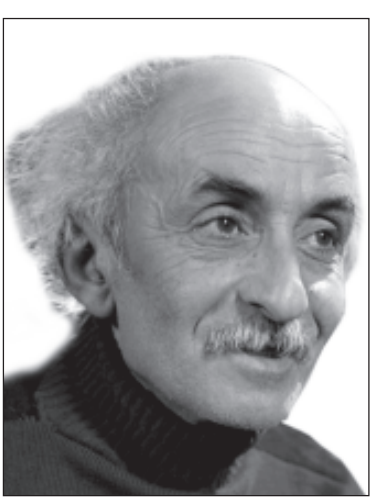
مصرف زدگی الگوی مدرنیسم ادبی

جامعه در دوران گذار بیش از آنکه نیاز به محصول داشته باشد نیاز به ابزار رشد دارد، چرا که امر فراوانی او را از تولید بازمی دارد وهمین مسئله ی به ظاهر کوچک اما کلیدی دوران مدرنیسم را در ایران به صورت بازگون بروز داد و نتیجه این شد که مدرنیسم از طریق قاشق چنگال در جامعه ای ایرانی تجدد خواه وارد و هیجان مصرف را به اوج رسانید.شیوع مصرف به سرعت در اقدشار منورالفکر به عنوان نوعی تجددخواهی به دلیل خستگی مفرط از تکرار و کلیشه، باعث تولید "نیاز" در موازات مصرف شد که گرایش به سمت نو گرایی پوشاک و آرایش و مکتب های نو گرای غربی و بدبینی مطلق به پدیده های غیر شهری و در یک جمع بندی به اختصار، شرایط را بر ای نفی مولفه های سنت به طور عام و جایگزینی مدرنیسم را به طور جدی پدید آورد .بدبهی است که تولید باعث اجماع و مصرف به گونه ی خیره کننده ای تفرّد می آورد . احتمالاً بد نیست مطلبی را در اینجا متذکر شوم شاید به یادآوری نوعی فروپاشی کمک کند : کمتر از یک قرن است که آشنایی با مدرنیسم پیدا شد، یعنی روزی که به آن دست دادیم و به هم معرفی شدیم تا کنون به ۱۰۰ سال نمی رسد و پیش از آن زندگی روال طبیعی و البته کمتر تغییر پذیر ادامه داشت اگر چه نمی توان کتمان کرد که با افزایش جمعیت زمین های کشاورزی کم تر و به قطعات کوچک تر تقسیم شدند و دیگر زنده نگاه داشتن شغل اجدادی و پدران، کفاف زندگی نوادگان را نمی کرد و…

نیاز به یک اتفاق و یا بهتر بگویم یک ظرفیت جدید به شدت احساس می شد و به همین دلیل است که شیوع آن به سرعت خیره کننده ای فراگیر شد و البته همچنان تقابل سنت و مدرنیته در موازات تغییرات مشهود وجود داشت .
" در بحث خاستگاه مدرنیسم تقابلی وجود دارد بین سنت گرایی و مدرنیسم…! این خاستگاه هم خاستگاهی است که غربی هاطراحی کردند، چه بسا ما سنت گرایی را به این تعبیر که غربی ها بیان کردند قبول نکنیم ویک مدل دیگر از سنت گرایی و همینطور از نوگرایی بخواهیم بیان کنیم "(اسلام،مدرنیسم و سنت گرایی،ابراهیمی عبدالجواد،انتشارات دارالعلم ۱۳۸۶ ص ۱۱۴) در این بخش نه قصد تاریخ نگاری دارم و نه ذکر سنوات، تنها به مقصود فراهم کردن ذهن خواننده برای تعامل بهتر مطرح می شود. پیش از این کار جمعی، سکونت جمعی، تغذیه یکسان و جمعی، یک تابو و ارزش بود و حتی خیاط و دوزنده لباس و نیازهای پوشاک و خواب نیز توسط دوزنده ای سیار در مدت زمانی که در محل زندگی یک خانواده مستقر می شد بر حسب احتیاج تهیه و ترمیم می شد و البته در زمان به خصوصی همه مردان و زنان خانه جمع و یکجا در مجمعی بزرگ گردآمده (در میهمانی ها و همین طور ولیمه دهی هم معمول بود) و دور هم به رفع نیاز تغذیه ای می پرداختند،لیکن ورود قاشق چنگال این جمع را متاثر کرد و به شدت و سرعت در میان اقدشار مختلف علاقه مند پیدا کرد؛به گونه ای که امروز تغییرات شگرفی را می بینیم اگر در آن روزگار نوع غذا یکی بود فقط جمع مسی جای خود را به قاشق چنگال و بشقاب اختصاصی سپرد امروزه می توان به وضوع تغییرا ذائقه را در مصرف چند نوع غذا بر روی یک میز مشاهده کرد .به مرور تابوی اشتراکی به میل و ذائقه و پسند افراد تغییر یافت و شکست و در ارکان دیگر نیز مانند محل سکونت و حتی انتخاب محیط دیگر برای زندگی نیز نیز تداوم یافت و آنچه در دوران زندگی روستایی و دوره کشاورزی دستوراد بسیار مهمی تلقی می شد بدن ترتیب فرو ریخت؛به نحوی که امروزه ظاهرا همگی از این تحول راضی هستند و شکایتی هم شنیده یا خواننده نمی شود اگر چه مقاومت هایی در

از نفوذ قاشق چنگال تا بازیافت صنعت در ادبیات مدرن ایران

احسان مهدیان



ماندگاری، توهم، یا واقعیت پنهان

فراوان شنیده ایم که با اشاره به معدود شاعران کلاسیک و نامدار ایرانی، گفته اند شعر باید به گونه ای سروده شود که "ماندگار" باشد اما تشخیص این ماندگاری را همین حال و در اکنون می خواهد بدانند و هیچ راهکار مناسبی هم ندارد چون به مصرف او نمی آید، پیش فرض دارد که در آینده نمی ماند! اما حقیقت این است، "فرضیه چتر نجات" که باعث می شود از ارتفاع به گونه ای سقوط صورت گیرد که کمترین آسیب وارد شود جاذبه زمین رانفی نخواهد کرد و یا برعکس تضمینی نیست بر اینکه اساسا انسان در آینده بر جو زمین غلبه نکند و اصولا سازوکار



چنین مناسباتی را اکنون نمی توان سنجه ی مطمئنی برای اتفاقات آینده دانست چرا که در زمان آن نیستیم . و ابزار موجود اصولا به رد این فرضیه دامن می زند و با متر و معیار خود می سنجند ماندگاری یک متن یا یک اثر هنری نیز واجد چنین نگاهی است که با سازوکار امروزین برآورد ماندگاری یا مرگ یک هنر نمی تواند حمل بر صحت ادعا باشد.

"این قضاوت وقت می خواهد، همیشه شاعر درست و حسایی، چیزی از زمان جلوتر است و مردم که به کارهای دیگر مشغولند در این خصوص چیزی از زمان عقب ترند، شاعر جلومی رود و مردم لنگان لنگان می آیند . به کمک هم در می یابند و راه را پرسیده به سرمنزل اومی آیند وقتی او نیست و چند نسل گذشته است آسان می شود این قضاوت."(بهمن ۱۳۲۳ نیما یوشیچ "در باره هنر و شعر و شاعری" سیروس طاهباز همسایه ها ۹) (بنا بر این تولید و نوآوری پیوند عمیقی بانوع و هوش سرشار یک شاعر دارد که نه تنها نیاز به تغییر را حس می کند ترسی هم از بیان وانشاء آن ندارد شعر امروز می تواند واقعیتی قابل تامل برای کسانی باشد که می خواهند به شعر و شاعری در جامعه ایران بپردازند و مدل نوگرایی خود را ارائه دهند و این از جوهره ی خلاق شاعر، زبان و نوع روایت یا سیستم سازی هایش می تواند قابل درک باشد. تاریخ ادبیات ما، امثال نیما را کم به خود دیده است که به اصطلاح « پدر» جریانی نو باشند. شاعرانی چون رودکی و نیما که هر

باز باز یافت صنعت در ادبیات مدرن ایران

یک را به نوعی « پدر» شعر می خوانیم بزرگانی هستند که کمتر ظاهر می شوند. این امر به شرایط تاریخی و مقاطع و دوران حساس جامعه بستگی دارد که نقاط عطف را می سازد. ظهور شعر فارسی را اگر به رودکی نسبت می دهند باید قرن هانی گذشت تا جامعه ایران به دلیل ورود تجدد و مدرنیسم به شعر دیگری می رسید. تنها گذر از سنت و مواجهه با دنیای جدید بود که باعث ظهور شعر جدید و نوین شد. نیما در چنین شرایطی شعر نوین را همراه با نظریه های مرتبط ارائه داد و پدر شعر نوین نام گرفت. بدبهی است که گفته می شود "چنین شرایطی همواره اتفاق نمی افتد و این بستر همیشه فراهم نیست که شاعری را برای بنیان گذاری شعری جدید نیاز داشته باشد". در صورتی که شرایط امروز به گونه ایست که حتی همین طرز فکر نیز به چالش کشیده می شود در حالی که به استناد آنچه در تاریخ ادبیات ایران موجود است منطقی و معقول به نظر می رسد . بازم مستنداتی وجود دارد که به هر دو گونه بیان با تردید نگاه کنیم. نیما در فرازی از همان (همسایه ها ۹) می نویسد: " من از تکرار این حرف خجالت نمی کشم (شما کار خودتان را بکنید) بگذارید آسیاب بچرخد و هنگامی که آب کافی است از بیرون صدای آب هر چه می خواهد باشد ."
نیما تاکید بر پیگیری شعر توسط شاعر دارد و منظر قضاوت نمی نشیند که در حال یا آینده در باره اش چه خواهند گفت اصولا جریان شعر را بر محور تولید می بیند و این از چشمه ی جوشان خلافتی های خود او می تواند نشات گرفته باشد. عجیب است که نوع قضاوت ها و

سوال ها و حتی نقدها در باره شعرهای پیشرو هنوز هم (بعد از گذشت چندین دهه) همچنان خصوصیت های یکسانی با زمان نیما دارد یعنی مولفه هایی چون عدم پذیرش مردم و یا عدم ماندگاری شعر و شاعر و … پیش فرض هائونز هم همان پیش فرض های سنتی آن زمان است در حالیکه طی دوره های بعد از نیما اشکال مختلف شعری تجربه شد و حیات گرفت بعضا هنوز هم خواننده دارد و در مواردی دست به تغییر و تکامل زد و یا بنیادا به دلیل شرایط و متغیرهای جدید، ایجاد شد. ولی متأسفانه هنوز هم باید به سوالاتی نزدیک به همین گونه ها پاسخ دهیم در حالی که گفتمان های رایج اصولا گفتمان های درون زندگی هستند و شعر جدای از مولفه های زیستی تعبیر به تولید شعر و پرداختن به زوایای آن و هم زمان نقش زندگی و زوایای آن می پردازد و همین است که بومی گری بیش از همه ی دوره ها در شرایط امروزین اهمیت خود را نشان داده است . "قدرت تکلم در شاعران

دههٔ ۸۰ به مراتب با قوت بیشتری نسبت به نسل های گذشته که غالباً توصیف گرند، مشاهده می شود و همین امر به ایجاد کمپ های گفتمانی منجر شده اند وفی المثل آن چنان موضوعات را در خود حل کرد که خود به موضوع اصلی شعر بدل شد و همین امر حرکت به لبهٔ تیغ است و امکان شقه شدن دارد و در نتیجه، واجد خصوصیتی است که خود زندگی دارد؛ یعنی همراهی خطر در موازات حرکت. در شعر دههٔ ۸۰، شاهد شکل گیری گفتمان های درون نسلی شدیم و لذا شعرهایی باتام ها و گرایش های متفاوت، مانند پازل های یک جغرافیای پهناور بروز عینی داشت. حداقل نام هایی که با پیشوند شعر شنیدیم و مطرح هستند، از تعداد انگشت های دست فراترند که ممکن است ادعای ساده نویسی را هم در بر بگیرد اما فاکتورهایی وجود دارد که پیچیده ترین شعرها نیز در همین دوره تولید شدند؛ (میزگرد آسیب شناسی شعر در دههٔ ۸۰ با حضور مزدک پنجه ای، مجید باریکانی و احسان مهدیان، ماه نامه ی انشا و نویسندگی - شماره ی ۲۲ ،۱۳۹۰ مرداد- ویژه ی ساده نویسی)

وقتی شعر چنان شوری دارد که دست به تولید نخله های جدیدتر و شگردهای تازه تر می زند و یا مدعیان کوچک و بزرگ در آن نفس می کشند، مهم این است: شعر و سنت نویسندگی و نگاه شاعرانه متناسب با شرایط زبان ادامه دارد و آن قدر که این مسئله دارای اهمیت است اشخاص و نام ها اهمیتی

ندارند که نگران باشیم نیما تا چه زمانی نام و آوازه خواهد داشت و آیا اشعار ما را می خوانند؟ در همین حال حاضر آن قدر که اشعار شاعران بعد از نیما که پیروان پیش نهاد نیما بودند خواننده می شود آیا از نیما می خوانیم؟ اما اهمیت بنیاد افکنی نیما همچنان و برای همیشه در ذهن و جان شعر و شاعر باقی است و به همین دلیل است که به اعتقاد من بخش مهمی از کسانی که در مجموعه شعر امروز حضور دارند و ای بسا شعر هم می نویسند تنها مخاطبانی هستند که به دلیل شیفتگی به شعر یک شاعر و یا دو شاعر" همانند سربایی" می کنند و از خود تولیدی ندارند و بخش اقلیت تولید گر در این میان هستند که باز هم به قول نیما شاید اکنون وقت خواندن آنها نیست و در آینده باید آنها را پیدا کرد .

تابوی ماندگاری باید می شکست

برگردیم به نیما و بیرسیم شعر نیما چه دارد که مانع ورود آن هنر نمایی بزرگ نوین آمیخته با رنگ و فرهنگ کوه و کوهستان به میان جامعه می شود؟ نیما را پدر شعر نوین می نامیم و همین او را در شعر معاصر با خصوصیات بارز هوش سرشار و نبوغ و خلافت و تولید با دیگران متمایز می کند. زبان، تکنیک، واژه های به کار گرفته شده و … در شعر نیما به سرآمد بودن آثار او صحه می گذارد. علاوه بر این تغییر نگاه هستی شناسانه شاعر که نیما در حوزه های بحث اَبژکتیو و سوَبژکتیو به آن می پردازد، باعث رویکرد متفاوت شعر شده است. در این چارچوب، و انظر به پردازی بزرگی است (که بیشتر در نامه هایش به آن پرداخته است) و به عنوان جریان ساز شعر نوین ایران نیز شناخته شد و البته شعر نیما ویژگی های منحصر به فردی دارد مگر پرداختن عام که شاید همین امر شعر او را از دسترس طیفی از مخاطبین دور می سازد. شعر شاگردان نیما، زبان، تکنیک، عمق و شاعرانگی شعر نیما یوشیچ را ندارد اما توانسته است بخشی از فرآورده های شعر را برای مخاطبان عام با وضوح نسبی پیش چشم بگذارد. اگر چه شناخت و زیست بیشتر مردم در شرایط مدرن، کمک غیر قابل انکاری برای خوانش شعرهای بعد از نیما داشت اما همین امر نتوانست شعر نیما را به سادگی قابل دسترس کند. به عبارت دیگر باید گفت شعر نیما آن قدر بزرگ است که امکان مراجعه عمومی و فهم جمعی در زمان سرایش از آن سلب می شود. اما هم اکنون شاعران نو گرای دیگر ممالک را به نیما تشبیه کرده و می ستایند مثل آدونیس که به "تیمای شعر عرب" معرفی شده است. متفاوت نویسی و یا متفاوت گویی در میان اقدشار کم سواد و کم مطالعه به گونه ایست و در میان جامعه تحصیل کرده و متکی به مطالعه، به گونه ای دیگر، پس نمی توان نوع اقبال جماعت به یک شعر و یا شاعر را دلیل بر ماندگاری دانست و البته با همین استدلال نمی توان دلیل بر پایان یافتگی او دانست.

در پیرامون موضوع «شعر امروز علیه شعر امروز» بحث تازه تری را دنبال کردم و نوشته م به اعتقاد من همان گونه که اشیا با هر کیفیتی در طبیعت از بین نمی روند، بلکه تبدیل می شوند در شعر و ادبیات نیز چنین روندی، لاجرم اتفاق می افتد. شعر مدرن شاعران گذشته با هر اندازه تاثیر گذاری و کنش بر انگیزی به این شرایط زمانی که رسیداز کارایی آن به مرور کاسته شد. البته از بین نرفت بلکه تبدیل شد و تغییر در آن نیز به شکل محسوسی مشاهده می شود. اشعار شاعران گذشته اگر چه از لحاظ حسی بر انگیزاننده هستند اما احتمالاً به لحاظ تکنیکی نسل امروز را تامین نمی کنند. رویکرد سخت خوانی مخاطبین را پاسخ نمی دهد و در نتیجه منتهی به گونه های تازه شعر و به اصطلاح امروزی تر شده است. "این بازی هولناک دلالت هاست. در دنیای زبان محصور شده ایم، در دنیای دلالت ها محوس شده ایم. دنیایی مدور، چون هر مدلول ما را به مدلولی دیگر هدایت می کند. شعر انحلال زبان است: منظورم این است که در هر شعر حرکت مدور زبان متوقف می شود. در نثر، هر جمله به جمله ای دیگر استناد می کند؛ در شعر، هر جمله با جمله ی دیگر یکسان است. این مطلب را یا کوپسون خیلی خوب توضیح داده: اشعار مجموعه ای از معادل ها هستند. یعنی مجموعه ای از استعاره ها و کنایه ها، مجموعه ای از شباهت ها. شاعر فقط به این منظور تفاوت ها را می بیند که به واسطه ی همسانی باطل شان کند. از این طریق، بازی مدور دلالت ها قطع می شود." (اکتاویو پواز)

نیما خوانی در دهه ۱۳۹۰

نمونه رشد یافته شعر نیما را باید امروز در بین شعرهایبست پیدا کرد و خواند. در جمع ها هم باید خوانده شود و باید بعضی رمزگان آن را پیدا و همانگونه که رمز بودند به یادگار گذاشت! دلیلی ندارد به گشایش آنها، اما باید راه های ورود به آن را برای نسل امروز ترسیم کرد چرا که ساخت شعر نیما افق شعر چندین دهه بعد از خود را مشخص می کرد باید نیما را در دهه ۹۰ شمسی در لابهای شعرهای جوانان امروز پیدا کرد و شناساند. نه اینکه تابوی تازه ای بسازیم و ستایش کنیم و دیگر هیچ!